



## گفتاری از علامه طهرانی به مناسبت سالروز صدور فرمان کشف حجاب توسط رضا شاه؛ حجاب حق اولیه زن است

حقّ اولیّه زن، حجاب و پوشانیدن پیکر خود از دیدگان شهوی مفسده انگیز است نه اینکه حقّ اولیّه وی برهنگی و خودنمایی است و بعد منع خداوندی بر این حقّ طبیعی عارض شده و جلوی آن را گرفته باشد.

حقّ اولیّه زن، حجاب و پوشانیدن پیکر خود از دیدگان شهوی مفسده انگیز است نه اینکه حقّ اولیّه وی برهنگی و خودنمایی است و بعد منع خداوندی بر این حقّ طبیعی عارض شده و جلوی آن را گرفته باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، ۷۷ سال پیش در چنین روزی رضا شاه پهلوی فرمان کشف حجاب زنان را صادر کرد. کشف حجاب در ایران زمانی اتفاق افتاد که رضاشاه قانونی را در ۱۷ دی ۱۳۱۴ به تاریخ تصویب کرد که به موجب آن، زنان و دختران ایرانی از استفاده از چادر، روبنده و روسری منع شدند. به همین مناسبت گفتاری از علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی در پی می آید؛

حقّ اولیّه فطری زن، خودداری از امور جانکاه و مشقت بار است، نه اینکه حقّ اولیّه وی آزادی در انجام این امور می باشد. حقّ اولیّه زن، حجاب و پوشانیدن پیکر است از دیدگان شهوی مفسده انگیز، نه اینکه حقّ اولیّه وی برهنگی و خودنمایی است و بعد منع خداوندی بر این حقّ طبیعی عارض شده و جلوی آن را گرفته باشد.

علامه آیه الله حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی (ره) در کتاب «رساله بدیعه: در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء» ذیل مبحث کلی در فلسفه حقوق زن و مرد به طور عام، مساله حجاب زن و حقوق فطری آنان را چنین روایت می کند:

مخلوقات و از جمله انسان بر نوع و وجهه واحد و یکسان آفریده نشده اند، بلکه در نوع انسانی از نظر نیروی جسمانی و قوای مادی قوی و ضعیف وجود دارد؛ و نیز از نظر صفات روحی و غرایز اخلاقی و تفکر و احساسات و عواطف؛ افراد مختلف و متفاوت دیده می شوند که انسان آمیزه‌ای است از موادّ گوناگون و صفات متعدّده و خداوند وی را به درجات استعداد و مراتب استحقاقی که دارد بر این ترکیب آفریده است؛ و از جمله مرد و زن هر یک را به ویژگی‌هایی مجهّز ساخته و برای هر یک از آنها (ذکور و إناث) بر حسب ظرفیّت و گنجایش و خصائص وجودی برنامه و تکالیفی مقررّ فرموده است؛ و اگر نه چنین بود بجای عدل، ستم شده بود و ظلم از ساحت اقدس وی به دور است.

بنابراین اگر در بعضی از امور اجتماعی مثل قضاوت و حکومت و جهاد و اختلاط با مردان و کشف حجاب و نماز جماعت و تشییع جنازه برای زنان در شرع مقدّس اسلام محدودیّت‌هایی وجود دارد، و برداشتن کارهای سنگین و مشقت بار از دوش بانوان، نه از جهت سلب حقّ از آنان است، بلکه اعطاء حقّ ایشان است به نحو اتم و اکمل. زیرا خداوند متعال پس از آنکه زنان را با انواع غرائز بیافرید و با ویژگی‌های مخصوص شکل داد آنچه را مصلحت و شایسته شأن آنهاست در حقّ آنان مراعات فرمود؛ که همان دور ماندن از جهاد و قضاوت و حکومت و امثال این امور است.

و این «بازداشتن»، حقّ اولیّه الهی است که خداوند علیم و خبیر به ایشان عطا فرموده است؛ نه اینکه حقّ اولیّه فطری آنان جهاد و امثال آن باشد و خداوند آنها را از این حقوق محروم ساخته باشد. که خداوند هیچ صاحب حقّی را از حقّ خویش محروم نساخته، بلکه به او آنچه را سزاوار تکامل اوست عنایت کرده است و بر حذر باش که آنچه را عین دادن حقّ است سلب حقّ مپنداری!

حقّ اولیّه فطری زن، خودداری از امور جانکاه و مشقت بار است، نه اینکه حقّ اولیّه وی آزادی در انجام این امور می باشد و بعد منع خداوندی بر این حقّ طبیعی عارض شده و جلوی آن را گرفته باشد.

حقّ اولیّه زن، حجاب و پوشانیدن پیکر است از دیدگان شهوی مفسده انگیز، نه اینکه حقّ اولیّه وی برهنگی و خودنمایی است، خداوند او را از این حقّ محروم ساخته و به حجاب و خانه نشینی امر فرموده است.

آری به خدا قسم ملاک‌ها جابجا شده و در شناخت حقایق تحریف پیش آمده است، نه فقط در مرحله تکلم و سخن بلکه در ساحت تفکر؛ تا آنجا که گوئی خودنمایی و جلوه گری و برهنگی و بی حجابی زن و ورود در جماعات مردان و تصدّی مناصب قضاوت و حکومت و جهاد از جمله حقوق اولیّه زن است و شارع از وی سلب کرده است.

و اینگونه تحریف‌ها بندگی و ذلت حقیقی فکری است و عبارت از برداشتن حقایق و معانی از جای اصلی خود و در غیر جای خود نهادن آنها می‌باشد. و این از بزرگترین مصائبی است که از ناحیه کفر خانمان برانداز مادی بر ما وارد شده است؛ زیرا که بدین ترتیب نه تنها دیدگان ما را از ملاحظه ظواهر امور بازداشته است بلکه اساساً مانع دریافت حقایق امور و واقعیات برای ما گردیده است.

و این مطلب نظائر و شواهد بسیاری در معارف و آداب ما دارد که کفر خانمان سوز مادی لغات را از معانی واقعی خود منحرف و تهی ساخته و معانی مختلف را از جایگاه اصلی خود به در برده است، و بدین ترتیب شدیدترین ضربات را بر پیکر جامعه و فرهنگ ما فرود آورده است.

از خداوند تعالی مسألت داریم که پس از آنکه چشم ظاهر ما را به نعمت بینائی و دیدن گشود، ما را در کوری باقی نگذارد؛ و پس از اینکه چشم بصیرت ما را به ادراك حقیقت منور ساخت دیگر ما را در جهالت و کوردلی رها نساخته و به آراء منحط و ناچیز و افکار هلاکت بار خود وا نگذارد که به وبال اعمال خود گرفتار آئیم و به سرانجامی خسران بار دچار شویم. و ما را از زمره کسانی قرار ندهد که قلبشان از ذکر خداوند در غفلت است و دنباله روی هوی نموده و تجاوزکارانند.

دفع این اشکال که ضعف زنان ناشی از محرومیت‌هایی است که به آنها اعمال شده است

علامه طهرانی سپس به یک شبهه چنین پاسخ می‌دهند: و اینکه بعضی بی‌خبران از روی جهالت و نادانی می‌گویند که: «نگهداشتن زن‌ها در خانه، و پوشانیدن آنها به حجاب و عدم اشتراك و همدوشی آنان با مردان در میدان‌های نبرد و دیگر کارهای سخت و خطیر است که ضعف در قوای جسمی و فکری زنان و عهده داری امور کودک را برای آنها به میراث گذارده است، و این ضعف و کمبود نسبی در زنان ناشی از این محرومیت‌های اجتماعی و امری اکتسابی است نه يك ویژگی غریزی و سرشتی در زنان. و در واقع ضعف و کمبود معلول آن محرومیت‌های اجتماعی و حقوقی است، نه علت آن» سخن درستی نیست، و این اشکال به سه دلیل باطل میشود:

اولاً: آنچه از ضعف قوای جسمانی و کمبود نسبت به مردان در زنان مشاهده می‌شود اختصاص به جوامعی که زن‌ها با حجاب و خانه نشین و دور از کارهای اجتماعی مردانه هستند، ندارد؛ بلکه مشترك بین آنها و سایر زنان (که در جوامع دیگر هم ردیف و همکار مردان و کارهای مردانه هستند) می‌باشد؛ با توجه باینکه همه زن‌ها (در همه شهرها و روستاها) بدون تفاوت بین شهری و روستائی، هر ماه دچار حیض و عادت ماهیانه هستند.

و ثانیاً: اختلاف قوا بین مذکر و مؤنث تنها در نوع انسان نیست، بلکه همه اقسام و انواع حیوانات را اعم از صحرائی و دریائی و پرندگان در بر می‌گیرد؛ و چنین تفاوتی در تمام انواع حیوانات از نر و ماده به روشنی مشهود است، آیا این اختلاف در سایر انواع جانوران نیز مربوط به حجاب است؟

و اگر گفته شود که در حیوانات ماده نیز يك نوع حجاب از طرف جنس نر وجود دارد که موجب ضعف او شده است، می‌گوئیم که: بنابراین حجاب امری لازم و ضروری است که عالم تکوین به آن اقرار دارد و هیچ حیوانی از آن مستثنی نیست؛ پس چرا ما انسان را از این قاعده عمومی کنار بگذاریم و درباره او حکم به برهنگی و بی‌حجابی بنمائیم. و اگر این سستی و ضعف منوط به حجاب نباشد، بنابراین در اصالت تفاوت داشتن مذکر و مؤنث بین حیوانات و انسان فرقی نیست.

ثالثاً: این تفاوت، ناموس و قانون کلی آفرینش است که در همه اعضاء جهان ماده اعم از جمادات و غیر آن ساری و جاری می‌باشد؛ زیرا که قوه فعلیه و اثربخشی - در عالم ماده - همواره از قوه انفعالیّه و اثرپذیری نیرومندتر است؛ و در علم فیزیک نیز به اثبات رسیده است که مقدار نیروی پروتون متمرکز در مرکز اتم که حاصل قوه فعلیه مثبت است به تنهائی برابر با جمیع قوای الکترونی که بدور آن می‌چرخد و حامل قوه انفعالیّه منفی است، میباشد.

تفکیک اعتبارهای طبیعی، اجتماعی و سلوکی در زن و مرد

هنگامی که بر مرد و زن از نظر اشتراك در زندگی خانوادگی در مدینه فاضله انسانی بنگریم، می‌بینیم که برای هر يك از آنها سهمی مساوی دیگری از نظر نقش تنظیم و اشتراك در امور زندگی و امور اجتماعی قرار داده شده است. و اگر هر يك از مرد و زن را مجرد از دیگری و به تنهائی و از دید مواهب طبیعی الهی داده شده به هر يك به دیگری مقایسه کنیم در می‌یابیم مردان از جهت بنیه بدنی و قوای عالیه عقلانی و وسعت فکر و قدرت تدبیر بر زنان برتری دارند که:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ؛ مردان بر زنان بواسطه برتری‌ای که خداوند یکی را بر دیگری داده

است قیومیت دارند.»

«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ؛ برای زنان به خوبی حقوقی است (که از طرف مردان باید رعایت شود) هم چنانکه تکالیفی نیز دارند (که بخاطر مردان باید رعایت کنند) و مردان را (در حقوق) بر زنان پایه‌ای بالاتر و افزونی است.»

ولی اگر هر يك را از نظر سلوك و حرکت خاص تكاملی به سوی خداوند و لقاء او، و سیر مدارج و مراتب کمال غائی انسانی و درجات نزدیکی و قرب خداوندی در نظر بگیریم، راه روشن و طریق واضح است، که هیچ يك را مانع و دافعی (در مقابل این سیر تکاملی) نیست؛ بلکه هر يك می‌توانند دامن همت به کمر زده و از ظاهر به باطن و از عالم اعتبار به عالم حقیقت و از جهل و خیال به اندیشه و تفکر سالم و صحیح و از دنیا به علیا و از غیر خدا به سوی توجّه کامل به خدا و نزول در حرم قدس و حریم عزّت او حرکت کنند، تا در جایگاه صدق و حق، نزد آن سلطان مقتدر و صاحب اختیار عزیز قرار گیرند. «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»

بنگر که خداوند تبارک و تعالی چگونه هر دوی آنها (مرد و زن) را در مقابل آمرزش و غفران و اجر عظیم خود در يك درجه واحد و برابر قرار داده است:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.»

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان و زنانی که دائماً فرمانبر خداوند و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان پایدار و زنان پایدار و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردان با عفت و خویشتن دار و زنان با عفت و خویشتن دار و مردانی که یاد خدا بسیار میکنند و زنانی که یاد خدا بسیار می‌کنند، خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداشی بس بزرگ آماده کرده است.»

و از کاملترین آیات در این معنی، گفته خداوند متعال است که: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَبْرًا؛ هر کس از مرد یا زن کارهای نیک کند و مؤمن باشد (بر اساس ایمان کار نیک انجام دهد) این گروه بی شک به بهشت در خواهند آمد و باندازه ذره‌ای به آنها ظلم نخواهد شد.»

و از آیه فوق کاملتر این آیه است: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ هر کس از مرد یا زن که از روی ایمان عمل صالحی انجام دهد، پس این گروه بی شک به بهشت در خواهند آمد و در آن بی حساب از نعمتهای الهی روزی داده خواهند شد.»

و صریح تر از آن و کامل تر در معنی، قول خداوند تبارک و تعالی است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس از مرد یا زن از روی ایمان عمل صالحی انجام دهد او را حیات و زندگی پاکیزه و خوشی بخشیم و به بهتر از آنچه عمل میکردند پاداششان می‌دهیم.»

که در این آیه خداوند سبحان حیات طیبه و پاداش بهتر و برتر از آنچه را که استحقاق است، وعده فرموده است.